

راهبردهای مدارای نوجوانان تهرانی در وضعیت‌های مختلف هویتی

بنفشه غرائی*، محمدکاظم عاطف‌وحید**، محمود دژکام***، مهرداد محمودیان****

طرح بحث: هدف از این پژوهش بررسی راهبردهای مدارای نوجوانان تهرانی در وضعیت‌های مختلف هویتی براساس نظریهٔ مارسیا (Marcia) می‌باشد. **روش تحقیق:** ۴۶۷ نوجوان تهرانی (۲۳۵ دختر و ۲۳۲ پسر) از چهار منطقه آموزش و پرورش تهران در مقاطع سوم نظری و پیش‌دانشگاهی به طور خوشه‌ای انتخاب گردیده و پرسش‌نامه فرایند هویت ایگو و مقیاس مدارای نوجوانان توسط کلیه شرکت‌کنندگان تکمیل گردید. **یافته‌ها:** یافته‌های این پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری بین بعضی از سازوکارهای مدارای مورد استفاده نوجوانان در وضعیت‌های مختلف هویتی وجود دارد. **نتیجه:** براساس نتایج این پژوهش می‌توان سازوکارهای مدارای مورد استفاده نوجوانان در هر یک از وضعیت‌های هویتی، را تعیین کرد و می‌توان با برنامه‌ریزی آموزش مهارت‌های مدارا با تأکید بر مهارت‌های اختصاصی مورد استفاده در هر یک از وضعیت‌های هویتی به نوجوانان جهت رسیدن به وضعیت اکتساب و در نهایت حل بحران هویت کمک کرد.

کلید واژه‌ها: راهبردهای مدارا، نوجوانان تهرانی، وضعیت‌های هویتی

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۸/۹

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۴/۲۷

* دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روان‌پزشکی تهران
<banafshehgh@yahoo.com>

** دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روان‌پزشکی تهران

*** دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

**** دکترای روان‌شناسی بالینی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه

فرایند رشد در دوره نوجوانی شامل تغییرات در زمینه‌های فردی و اجتماعی‌ای است که نوجوان در آن قرار دارد و این تنوع عوامل، شرایطی را برای خطر در این دوره از زندگی فراهم می‌کند. خطرهای رفتاری شامل مصرف الکل، مصرف یا سوءمصرف مواد، روابط جنسی نایمن، حاملگی در دوران نوجوانی، والد شدن در دوره نوجوانی، افت یا شکست تحصیلی، ترک تحصیل، بزهکاری و جرم می‌باشد. درگیری در فقط یکی از این رفتارها می‌تواند شانس زندگی خوب با کیفیت مناسب را برای نوجوان کاهش دهد و درگیری در چند تا از آنها حتی می‌تواند شانس زنده ماندن فرد را کاهش دهد (Lerner, 1998).

بر طبق نظریه روانی - اجتماعی اریکسون (۱۹۶۸؛ Berzonsky, 2003) یکی از وظایف اصلی دوران نوجوانی شکل‌گیری هویت است، افراد از هویت به عنوان چارچوب مرجعی استفاده می‌کنند که تجارب شخصی آنها را تفسیر و معنا کرده و براساس آن اهداف و جهت زندگی خود را تعیین می‌کنند.

در اواخر دوره نوجوانی یک بحران هویت روی می‌دهد که اریکسون آن را یک بحران بهنجار می‌خواند، اما ناتوانی برای کنار آمدن با این بحران نابهنجار تلقی می‌شود. چرا که نوجوان را از داشتن یک هویت محکم محروم می‌سازد. شخص به سردرگمی هویت یا آشفتگی نقش مبتلا می‌گردد، به کسی مبدل می‌شود که نمی‌داند کیست و جای او در این دنیای بزرگ کجاست. سردرگمی در نقش ممکن است خود را به صورت اختلالات رفتاری نظیر فرار از منزل، بزهکاری، یا حتی روان‌پریشی آشکار نشان دهد (کاپلان، ۱۳۷۵).

با توجه به اینکه اریکسون هویت را با مفاهیم نظری و بالینی مطرح کرد، طرح وضعیت هویت ایگو که توسط مارسیا در سال ۱۹۶۶ ارائه شد اولین دیدگاه عملیاتی برای مطالعات سیستماتیک در مورد هویت در یک محیط اجتماعی معمولی بود (Swachrtz, 2000).

(۱) سوابق پژوهش

به‌طور کلی تکامل مطالعات مربوط به رشد هویت، از نوشته‌های فروید تا تئوری اریکسون

و از نظریه عملکردی، تجربی مارسیا تا تئوری‌های مختلفی که از سال ۱۹۸۷ توسط برزونسکی، گروتوانت (Grotevant) و اترمن (Waterman)، کورتینز (Kurtines)، آدامز (Adams) و کوته (Cote) در زمینه بحران هویت ارائه داده شد، ادامه پیدا کرده است (Swachrtz, 2001). این محققین مسئله بحران هویت را از زوایای مختلف فردی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند که با توجه به اهمیت نظریه‌های مارسیا و برزونسکی در پژوهش حاضر، به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

مارسیا بر دو بعد تعهد و کاوش^۱ تأکید دارد. از نظر وی کاوش به عنوان یک رفتار حل مسئله در نظر گرفته می‌شود که به کسب اطلاعات بیشتر درباره خود محیط به منظور گرفتن تصمیم در مورد انتخاب‌های اصلی زندگی منجر می‌شود و تعهد به مجموعه‌ای از اهداف، ارزش‌ها و باورها است (Swachrtz, 2000). در واقع می‌توان گفت که کاوش برای ایجاد مفهوم کامل‌تری از خود و تعهد تصمیم‌گیری نهایی در مورد مجموعه خاصی از اهداف، ارزش‌ها و باورهایی است که فرد به آن اعتقاد دارد (Swachrtz, 2000).

مارسیا (۱۹۶۶) چهار وضعیت هویت را از مفهوم حضور یا عدم حضور کاوش و تعهد توصیف می‌کند. این چهار وضعیت عبارتند از هویت نامتمایز^۲ (وضعیتی بدون بحران کاوش فعلی و بدون تعهد)، تفویض اختیار^۳ (وضعیتی با تعهد بدون بحران کاوش قبلی)، تعلیق^۴ (وضعیتی با بحران کاوش فعلی و بدون تعهد) و بالاخره اکتساب هویت^۵ (وضعیتی با تعهد و بحران کاوش قبلی که اکنون حل شده است)، (Berzonsky, 1990; Grotevant, 1987). برزونسکی (Berzonsky, 1992) با استفاده از نظریه اریکسون و مارسیا، دیدگاه متفاوتی را در مورد هویت با توجه به مکانیسم‌های مدارا، حل مشکلات و تصمیم‌گیری ارائه کرد.

1. Exploration
2. Identity Diffusion
3. Foreclosure
4. Moratorium
5. Identity Achievement

وی سه سبک هویتی را مطرح می‌کند که بر طبق آن افراد خودکاو را که در مرحله اکتساب و تعلیق نظریه ماریسیا قرار می‌گرفتند، دارای سبک اطلاعاتی در نظر گرفت. این افراد معمولاً فعالانه در جستجو بوده و اطلاعات خود را زمانی که باید تصمیماتی در مورد هویت خود یا حل مشکلات شخصیشان بگیرند بسط داده و از آن سود می‌برند (Berzonsky, 1990).

همچنین افرادی که بر طبق نظریه ماریسیا در وضعیت تفویض اختیار هستند دارای سبک هنجاری^۱ معرفی می‌نماید. توجه اصلی این افراد به مطابقت داشتن با دیگران و همچنین اجرای دستورالعمل‌ها و انتظارات افراد مهم در زندگی‌شان (مانند والدین و گروه مرجعشان) می‌باشد (Berzonsky, 1992)؛ و بالاخره سبک نامتمایز اجتنابی^۲ تقریباً شبیه وضعیت نامتمایز ماریسیا می‌باشد. این افراد درگیر مسامحه‌کاری و اجتناب از تصمیم‌گیری و حل مشکلات می‌باشند (Swachrtz, 2001).

در واقع برزونسکی مفهوم بحران هویت را با تأکید بر مهارت‌های مدارا مطرح می‌نماید. مهارت‌های مدارا را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از عملکرد و شناخت‌هایی که قادرند فرد را برای تحمل، اجتناب یا به حداقل رساندن اثرات استرس یاری کنند، در نظر گرفت (Plancherel, 1995)

در نظریه لازاروس دو گروه اصلی از استراتژی‌های مقابله‌ای، براساس عملکرد آنها تقسیم‌بندی شده‌اند. اولین دسته از این استراتژی‌ها شامل کوشش‌های مستقیم در جهت تغییر یا اصلاح بعضی از جنبه‌هایی می‌باشد که در فرد یا محیط استرس‌زا تلقی می‌شوند (Folkman, Lazarus, 1985). این استراتژی‌ها با وجود آنکه گوناگون هستند همگی تحت عنوان مداراهای مسئله‌مدار یا دیدگاه مقابله‌ای توصیف شده‌اند (Stalard, 2001).

گروه دوم به اداره و تنظیم کردن نتایج هیجانی که همراه استرس‌ها هستند می‌پردازند، که این گروه تحت‌عنوان مقابله‌های هیجان‌مدار و اجتنابی توصیف شده‌اند. تحقیقات نشان داده‌اند که مداراهای مسئله‌مدار در سازگاری با حوادث و سوانح، بسیار

1. Normative Style
2. Diffuse-Avoidant Style

مهم می‌باشند (Hughes, Greenway, 1999).

با توجه به اینکه رشد هویت یک فرایند روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد، بنابراین عوامل مختلفی از جمله وضعیت هویت، والدین (Adams, Reyan, Hofman, 1985)، عوامل بین فرهنگی (Berzonsky, 1999)، جنسیت، عوامل فرهنگی و نژادی و مذهبی (Adams, 1998) در شکل‌گیری آن مؤثر می‌باشند. تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شده است که به دلیل اطالۀ بحث به آنها پرداخته نمی‌شود ولی این مسئله ضرورت اجرای تحقیق در ایران تأیید را می‌نماید. هر چند در ایران به‌طور مشخص رابطه بین هویت و مذهب مورد بررسی قرار نگرفته است ولی با توجه به اینکه برزونسکی شیوه‌های هویتی را براساس مهارت‌های مقابله‌ای تعریف کرده است در این رابطه می‌توان به تحقیقی در زمینه مقابله‌های مذهبی اشاره کرد. دانشمندان معتقدند که مذهب یک منبع حمایتی برای افراد است که در رویارویی با مشکلات کمتر آسیب ببینند، بنابراین مقابله‌های مذهبی نظیر دعا و نیایش، توکل، توسل به خداوند و... که متکی بر باورها و فعالیت‌های مذهبی است در کنترل استرس‌ها و سلامت روان به افراد کمک می‌کند (مهرداد احمدیان، ۱۳۸۲). در تحقیقی که توسط صولتی دهکردی، نجفی و نوری قاسم‌آبادی (۱۳۸۲) جهت بررسی رابطه بین نگرش مذهبی، مهارت‌های مقابله‌ای و سلامت‌روان بر روی ۲۰۰ دانشجوی علوم پزشکی شهرکرد انجام شده است، نتایج این تحقق بیانگر آن بود که افراد با نگرش مذهبی از شیوه‌های مدارای مذهبی - که عمدتاً متمرکز بر هیجان است - بیشتر استفاده می‌کنند. همچنین بین نگرش‌های مذهبی و سلامت‌روان رابطه مثبت معناداری به دست آمد.

هدف از این پژوهش بررسی مهارت‌های مقابله‌ای نوجوانان در هر یک از وضعیت‌های مختلف هویتی است تا براساس آن علاوه بر شناخت بیشتر وضعیت هویت نوجوانان تهرانی، بتوان برنامه‌های آموزش مهارت‌های مقابله‌ای اختصاصی را با توجه به وضعیت هویتی آنها ارائه داد.

۲) روش

۲-۱) جمعیت هدف و گروه نمونه

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر ساکن تهران و مشغول به تحصیل در مقاطع سوم نظری و پیش‌دانشگاهی در نواحی ۱۹ گانه آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ می‌باشد، که از بین آنها تعداد ۴۶۷ نفر (۲۳۵ دختر و ۲۳۲ پسر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. با استفاده از اطلاعات حاصل از دفتر آمار اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران چهار ناحیه ۱، ۸، ۹ و ۱۶ به عنوان خوشه به صورت کاملاً تصادفی از بین این نواحی انتخاب گردید، سپس مدارس مورد نظر نیز به طور کاملاً تصادفی از بین این نواحی انتخاب گردیدند. با توجه به اینکه در هر مدرسه تعدادی کلاس سوم و یا پیش‌دانشگاهی وجود داشت کلاس‌ها نیز به طور تصادفی از بین لیست کلاس‌های هر مدرسه انتخاب شوند.

۲-۲) ابزارها

در این پژوهش از پرسش‌نامه‌های خصوصیات دموگرافیک، فرایند هویت ایگو و پرسش‌نامه مهارت‌های مقابله‌ای استفاده گردیده است.

۲-۲-۱) پرسش‌نامه فرایند هویت ایگو (EIPQ)^۱

این پرسش‌نامه ۶۴ سؤالی توسط آدامز، شی و فیچ (۱۹۷۹، به نقل از آدامز، ۱۹۹۸) تهیه شده است. پرسش‌نامه فرایند هویت ایگو یک ابزار خودگزارش دهی است (Adams, 1998). این مقیاس، برای ارزیابی هویت ایگو در چهار حوزه ایدئولوژیکی (انتخابات شغلی، ترجیحات سیاسی، باورهای مذهبی و ارزش‌های شخصی) و چهار حوزه بین‌فردی (دوستی، روابط با جنس مخالف، نقش‌های جنسی و خانواده) استفاده می‌شود.

1. Ego Identity Process Questionnaire

بویز (Boyes) و همکاران (۱۹۹۲) تحقیقی را جهت بررسی پایایی این ابزار انجام دادند و آلفای کرونباخ در حد ۰/۸۱ به دست آوردند. همچنین اوکانر (O'Connor, 1995)، آلفای کرونباخ از دامنه ۰/۶۵ (زنان در وضعیت نامتمایز) تا ۰/۸۳ (مردان در وضعیت تفویض اختیار) به دست آورد. در پژوهش حاضر نیز جهت بررسی پایایی، این ابزار به فاصله دو هفته توسط ۳۰ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی (۱۵ پسر و ۱۵ دختر) تکمیل گردید که شاخص آلفای کرونباخ در دامنه‌ای از ۰/۷۱ تا ۰/۹۱ برای وضعیت‌های مختلف و همیشگی ۰/۹۵ در بازآزمایی به دست آمد.

۲-۲-۲) مقیاس مدارای نوجوانان (ACS)

این مقیاس در سال ۱۹۹۳ توسط اریکا فرایدبرگ و رامون لوئیس با هدف بررسی نحوه مهارت‌های مدارای در نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله طراحی شده است. این راهبردها در سه سبک مدارا گروه‌بندی می‌شود که عبارتند از سبک حل مشکل یا مدارای بارور، مراجعه به دیگران و کنارآیی نابارور. این مقیاس دارای ضرایب همسانی داخلی بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۷ (با میانگین ۰/۷۲) پایایی بازآزمایی برای گستره زیرمقیاس‌ها از ۰/۴۹ تا ۰/۸۲ (میانگین ۰/۶۸) در فرم عمومی گزارش شده است (فرایدبرگ، ۱۹۹۳، به نقل از داعی‌پور، ۱۳۷۸). در بررسی پایایی این پرسش‌نامه، داعی‌پور (۱۳۷۸) ضرائب همبستگی به دست آمده برای راهبردهای ۱۸ گانه در نوجوانان تهرانی را بعد از دو هفته با روش بازآزمایی بین ۰/۲۹ تا ۰/۸۸ گزارش داد. در پژوهش حاضر پایایی مقیاس مدارای نوجوانان به فاصله دو هفته بر روی ۳۰ دانش‌آموز دختر و پسر تهرانی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش آزمون مجدد برای راهبردهای هیجده‌گانه از دامنه‌ای بین ۰/۴۵ تا ۰/۹۱ به دست آمد.

۲-۳) روش اجرا

ابتدا سؤال‌های پرسش‌نامه فرایند هویت ایگو ترجمه شدند. سپس صحت ترجمه این

1. Adolescent Coping Scale

پرسش‌نامه‌ها در زمینه‌های روانی، وضوح، قواعد دستور زبان، متناسب با فرهنگ بودن و اعتبار محتوایی آنها پس از ترجمه، توسط اساتید روان‌شناسی و روان‌پزشکی و دانشجویان دکترای روان‌شناسی بالینی مورد بررسی قرار گرفته و براساس نظریات آنها فرم‌های نهایی پرسش‌نامه‌ها آماده گردید. سپس پرسش‌نامه‌ها به فاصله دو هفته توسط ۱۵ دانش‌آموز دختر و ۱۵ دانش‌آموز پسر تکمیل گردیدند و نظرات آنها در رابطه با ترجمه‌های موجود نیز مورد توجه قرار گرفت. پرسش‌نامه‌ها به صورت گروهی اجرا شد و همه پرسش‌نامه‌ها در کلاس و در حضور آزمون‌گران تکمیل گردیدند.

۳) یافته‌ها

جهت بررسی این فرضیه که بین راهبردهای مدارا در وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی و بین فردی مختلف تفاوت وجود دارد، میانگین نمرات استفاده از راهبردهای هجده‌گانه در افراد با وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی و بین فردی مختلف با یکدیگر مقایسه گردید که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه می‌گردد.

همانطور که مشاهده می‌گردد تفاوت معناداری بین استفاده از راهبردهای مدارای کاهش تنش، اقدام اجتماعی و سرزنش خود در سطح ۰/۰۵ و تمرکز بر حل مشکل، نگرانی، کوشش جهت حفظ تعلق خاطر، تمرکز بر نکات مثبت و جست‌وجوی کمک حرفه‌ای در سطح ۰/۰۱ و کنار نیامدن، نادیده گرفتن مشکل در سطح ۰/۰۰۱ در وضعیت‌های هویتی مختلف ایدئولوژیکی وجود دارد.

همچنین نتایج نشان داد، راهبرد مدارای حل مشکل بیشتر توسط نوجوانان در وضعیت اکتساب استفاده می‌شود تا وضعیت‌های نامتمایز و مهلت مجاز؛ راهبردهای نگرانی، کوشش جهت حفظ تعلق خاطر و سرزنش خود بیشتر توسط نوجوانان با وضعیت تفویض اختیار استفاده می‌شود تا مهلت مجاز؛ راهبرد کنار نیامدن بیشتر توسط نوجوانان با وضعیت‌های نامتمایز و تفویض اختیار استفاده می‌شود تا وضعیت مهلت مجاز و اکتساب؛ راهبرد نادیده گرفتن بیشتر توسط نوجوانان در وضعیت نامتمایز استفاده می‌شود تا مهلت

مجاز و اکتساب؛ و بالاخره راهبرد کاهش تنش بیشتر توسط نوجوانان در وضعیت نامتمایز استفاده می‌شود تا وضعیت مهلت مجاز و اکتساب.

جدول ۱: مقایسه میانگین نمرات راهبردهای هجده‌گانه مدارا در نوجوانان با وضعیت‌های

مختلف هویت ایدئولوژیکی

متغیر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
حمایت اجتماعی	۱۴۲۲/۵۳	۴۷۴/۱۷	۱/۷۷	۰/۱۵۱
حل مشکل	۲۳۴۹/۲۳	۷۸۳/۰۷	۳/۵۹	*۰/۰۱۴
تلاش	۱۱۴۷/۶۴	۳۸۲/۵۴	۱/۸۴	۰/۱۳۸
نگرانی	۳۲۷/۰۶	۱۰۹۰/۰۲	۴/۳۱	**۰/۰۰۵
دوستان	۱۵۵/۹۸	۵۱/۹۹	۰/۱۳	۰/۹۳۹
تعلق	۲۳۹۵/۱۵	۷۸۸/۳۸	۳/۸۸	**۰/۰۰۹
تفکر آرزومندانه	۲۸۸/۹۴	۹۶/۳۱	۰/۴۳	۰/۷۳۰
کنار نیامدن	۳۶۲۸/۷۱	۱۲۰۹/۵۷	۶/۱۹	**۰/۰۰۰
کاهش تنش	۱۸۰۸/۹۴	۶۰۲/۹۸	۲/۶۵	*۰/۰۴۸
اقدام اجتماعی	۲۵۵۲/۹۲	۸۵۰/۹۷	۲/۸۴	*۰/۰۳۷
نادیده گرفتن	۴۵۲۷/۰۳	۱۵۰۹/۰۱	۵/۲۵	***۰/۰۰۱
سرزنش خود	۲۸۷۴/۰۲	۹۵۸	۲/۷۴	*۰/۰۴۲
خودداری	۱۲۷۳/۱۹	۴۲۴/۳۹	۱/۵۶	۰/۱۹۸
معنویت	۱۶۹۵/۰۷	۵۶۵/۰۲	۱/۷۷	۰/۱۵۰
تمرکز مثبت	۳۱۷۹/۱۷	۱۰۵۹/۷۲	۴/۰۵	**۰/۰۰۷
کمک حرفه‌ای	۵۳۱۴/۲۷	۱۷۷۱/۴۲	۴/۰۵	*۰/۰۰۷
آرام‌سازی	۱۰۳۲/۵۹	۳۴۴/۱۹	۰/۹۲	۰/۴۲۷
تفریحات فیزیکی	۲۲۱۱/۲۱	۷۳۷/۰۷	۱/۵۱	۰/۲۱۰

***P<۰/۰۰۱

**P<۰/۰۱

*P<۰/۰۵

جدول ۲: مقایسه میانگین نمرات راهبردهای هجده گانه مدارای در نوجوانان با وضعیت های مختلف هویت بین فردی

متغیر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
حمایت اجتماعی	۳۰۹۶/۹۳	۱۰۳۲/۳۱	۳/۹۵	** ۰/۰۰۸
حل مشکل	۳۹۰/۸۱	۱۳۰/۲۷	۰/۵۸	۰/۶۲۳
تلاش	۴۵۷/۰۱	۱۵۲/۳۳	۰/۷۳	۰/۵۳۳
نگرانی	۹۱۱/۹۸	۳۰۳/۹۹	۱/۱۸	۰/۳۱۴
دوستان	۲۷۱۲/۴۳	۹۰۴/۱۴	۲/۳۵	۰/۰۷۲
تعلق	۲۰۶۳/۴۸	۶۸۷/۸۲	۳/۴۲	** ۰/۰۱۷
تفکر آرزومندانه	۳۰۲۴/۹۱	۱۰۰۸/۳	۴/۶۴	** ۰/۰۰۳
کنار نیامدن	۳۰۲۲/۶۲	۱۰۰۷/۵۴	۵/۱۱	** ۰/۰۰۲
کاهش تنش	۲۶۳/۵۲	۸۷/۸۴	۰/۳۸	۰/۷۶۴
اقدام اجتماعی	۴۷۳۵/۳۶	۱۵۷۸/۴۵	۵/۳۵	*** ۰/۰۰۱
نادیده گرفتن	۸۲۰۵/۳۲	۲۷۳۵/۱۰	۹/۷۷	*** ۰/۰۰۰
سرزنش خود	۴۳۴	۱۴۴/۶۶	۰/۴۱	۰/۷۴۶
خودداری	۸۶۰/۰۶	۲۸۶/۶۸	۱/۰۵	۰/۳۶۹
معنویت	۳۴۶۸/۴۱	۱۱۵۶/۱۳	۳/۶۶	** ۰/۰۱۲
تمرکز مثبت	۲۷۳۳/۰۹	۹۱۱/۰۳	۳/۴۶	** ۰/۰۱۶
کمک حرفه ای	۶۲۸۹/۲۶	۲۰۹۶/۴۲	۴/۸۳	** ۰/۰۰۳
آرام سازی	۸۲۸/۷	۲۷۶/۲۳	۰/۷۴	۰/۵۲۷
تفریحات فیزیکی	۱۰۰۸۸/۲	۳۳۶۲/۷۳	۷/۱۵	*** ۰/۰۰۰

***P<۰/۰۰۱

**P<۰/۰۱

*P<۰/۰۵

همانطور که مشاهده می‌گردد تفاوت معناداری بین استفاده از راهبردهای مدارای جستجوی حمایت اجتماعی، کوشش جهت حفظ تعلق خاطر، جست‌وجوی حمایت معنوی، تمرکز بر نکات مثبت، تفکر آرزومندانه، کنار نیامدن و جست‌وجوی کمک حرفه‌ای در سطح ۰/۰۱، اقدام اجتماعی، نادیده گرفتن مشکل، و تفریحات فیزیکی در سطح ۰/۰۰۱ در نوجوانان با وضعیت‌های مختلف هویتی بین فردی وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد، راهبردهای حمایت اجتماعی، تفکر آرزومندانه، اقدام اجتماعی و کمک حرفه‌ای بیشتر در نوجوانان با وضعیت تفویض اختیار استفاده می‌شود تا مهلت مجاز و اکتساب؛ راهبرد کنار نیامدن بیشتر در نوجوانان با وضعیت‌های نامتمایز و تفویض اختیار استفاده می‌شود تا مهلت مجاز و اکتساب؛ راهبرد کنار نیامدن بیشتر در نوجوانان با وضعیت‌های نامتمایز و تفویض اختیار استفاده می‌شود تا مهلت مجاز و اکتسابی؛ راهبرد نادیده گرفتن بیشتر در نوجوانان با وضعیت نامتمایز استفاده می‌شود تا هر سه وضعیت دیگر؛ و بالاخره راهبرد تفریحات فیزیکی بیشتر در نوجوانان با وضعیت نامتمایز استفاده می‌شود تا مهلت مجاز.

۴) بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که از نتایج این تحقیق می‌توان مشاهده نموده در رابطه با وضعیت‌های هویت ایدئولوژیکی، تفاوت معناداری بین میزان استفاده از راهبرد مدارای حل مشکل در نوجوانان با وضعیت اکتساب در مقایسه با بقیه وضعیت‌ها وجود دارد که این نتیجه همسو با تحقیقات دیگر در این زمینه می‌باشد، زیرا انتظار می‌رود افرادی که به حل بحران هویت و یا رسیدن به تعهد نائل می‌شوند معمولاً توانایی حل مسئله بهتری داشته باشند (Berzonsky, Farrary, 1996; Berzonsky, 2003). همچنین براساس نتایج این پژوهش راهبرد نگرانی، کوشش جهت حفظ تعلق خاطر و سرزنش خود بیشتر در نوجوانان با وضعیت هویت تفویض اختیار و راهبرد کنار نیامدن، نادیده گرفتن مشکل و کاهش تنش در نوجوانان با وضعیت هویت نامتمایز مشاهده می‌شود

که این نتایج نیز همسو با تحقیقات دیگر در این زمینه می‌باشد طبق این نتایج انتظار می‌رود افرادی که در مرحله کاوش هستند از استراتژی‌های متمرکز بر هیجان - که با سطح پایینی از تعهد و اعتماد به نفس و بی‌ثباتی همراه باشد - استفاده نمایند (Swachrtz, 2003). بنابراین با عنایت به نتایج تحقیق در این زمینه، نوجوانان تهرانی بیشتر در وضعیت هویت ایدئولوژیکی و بین فردی مهلت مجاز و نامتمایز و کمتر در وضعیت اکتساب قرار دارند (غرابی و همکاران، زیرچاپ) و البته یادآور می‌شویم که جوکار و همکاران (۱۳۸۴) نیز تحقیقی در شهر شیراز انجام داده و در این تحقیق، وضعیت هویت نوجوانان شیرازی را براساس نظریه برزونسکی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته است که دانشجویان حتی نسبت به دانش‌آموزان نیز بیشتر در وضعیت نامتمایز (گسیخته) قرار دارند. براساس نتایج این تحقیق جهت رسیدن نوجوانان به وضعیت اکتساب و یا در واقع حل بحران هویت باید برنامه‌هایی جهت آموزش مهارت حل مسئله طرح‌ریزی نمود. همچنین باید به راهبردهای نگرانی، کوشش جهت حفظ تعلق‌خاطر، سرزنش خود، کنار نیامدن و نادیده گرفتن، جهت تغییر استفاده از این راهبردها نیز توجه نمود.

در رابطه با وضعیت هویت بین فردی نیز همان‌طور که از نتایج این تحقیق مشاهده می‌گردد، راهبرد حمایت اجتماعی، تفکر آرزومندانه، اقدام اجتماعی و کمک حرفه‌ای بیشتر در نوجوانان با وضعیت هویت تفویض اختیار و اکتساب و کنار نیامدن و نادیده گرفتن بیشتر در نوجوانان با وضعیت هویت نامتمایز مشاهده می‌گردد که توجه به این نتایج در برنامه‌ریزی‌ها با توجه به اهمیت روابط بین فردی در رشد شخصیت نوجوانان بسیار مفید می‌باشد.

در نهایت می‌توان گفت که نتایج این تحقیق تأیید مجددی بر نظریه برزونسکی است در این زمینه که مهارت‌های مقابله‌ای با وضعیت‌های هویتی ارتباط دارند (غرابی، زیرچاپ; Berzonsky, 1992; Berzonsky, Farrary, 1996; Schwartz, 1996). با توجه به اهمیت رسیدن به وضعیت اکتساب جهت حل بحران هویت (Marsya, 1980; Schwartz, 2000)

نتایج این تحقیق بیانگر آن است که در رابطه با وضعیت هویت ایدئولوژیکی و بین فردی، می‌توان با استفاده از برنامه‌های آموزشی مهارت‌های مدارای به نوجوانان کمک کرد که با یادگیری مهارت‌های مدارای مسئله‌مدار به سمت رسیدن به هویت اکتساب یا همان حل بحران هویت حرکت کنند.

۱. احمدیان، مهرداد. (۱۳۸۲)، بررسی روش‌های مقابله مذهبی، نگرش مذهبی و فعالیت‌های مقابله‌ای در بیماران درمان‌ناپذیر (سرطان)، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، تهران، پژوهشکده فرهنگ و معارف.
۲. جوکار، بهرام؛ پورعلی‌فرد، فاطمه. (۱۳۸۴)، مقایسه دانش‌آموزان و دانشجویان در ابعاد و سبک‌های هویت، خلاصه مقالات کنگره پژوهش‌های روان‌پزشکی و روان‌شناسی در ایران.
۳. داعی‌پور، پروین. (۱۳۷۸)، بررسی مقدماتی مقیاس کنارآیی نوجوانان در دانش‌آموزان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی. تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۴. صولتی‌دهکردی، سیدکمال. نجفی، مصطفی. نوری قاسم‌آبادی، ربابه. (۱۳۸۲)، بررسی رابطه بین نگرش مذهبی، مهارت‌های مقابله‌ای و سلامت روان در دانشجویان علوم پزشکی شهرکرد، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، تهران، پژوهشکده فرهنگ و معارف.
۵. کاپلان، هارولد. سادوک، بنیامین. گرب، جک. (۱۳۷۵)، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری، روان‌پزشکی علوم رفتاری، روان‌پزشکی بالینی، (نصرت‌ا... پورافکاری)، تهران، انتشارات شهرآب.
6. Adams, G.R. (1998), **The manual of The Objective Measure of Ego-Identity Status**, Personal Communication via Electronic Mail.
7. Berzonsky, M.D. Rice, K. G. Neimeyer, G.J. (1990), **Identity Status and Self-Construct Systems: Process Structure Interaction**, Journal of Adolescence, 13, 251-263.
8. Berzonsky, M.D. (1992), **Identity Style and Coping Strategies**, Journal of personality 60 (4), 771-778.
9. Berzonsky, M.D. Nurmi, Macek, P. E.J. (2003), **Interrelationships among Identity Process, Content, and Structure: A Cross-cultural Investigation**, Journal of Adolescent Research, 18 (X), 1-19.
10. Boyes, M.C. Chandler, M. (1992), **Cognitive Development, Epistemic Doubt, and Identity Formations in Adolescence**, Journal of youth and

- Adolescence, 21, 150-170.
11. Folkman, S. Lazarus, R.S. (1985), **If It Changes It Must Be a Process: A Study of Emotion and Coping During Three Stages of a College Examination**, Journal of Personality and Social Psychology, 48, 150-170.
 12. Grotevant, H.D. (1987), **Toward a Process Model of Identity Formation**, Journal of Adolescent Research, 2, 203-222.
 13. Hughes, I., Budd, R. Greenways, S. (1999), **Coping with Anxiety and Panic: A Factor Analytic Study**, British Journal of Clinical Psychology, 38, 295-304.
 14. Lerner, R.M., Galambos, N.L. (1998), **Adolescent development: Challenges and Opportunities for Research/ Program/ and Policies**, Annual of Review Psychology, 49, 413-426.
 15. O'Connor, B.P. (1995), **Identity Development and Perceived Parental Behavior as Sources of Adolescent Egocentrism**, Journal of Youth and Adolescence, 24, 413-426.
 16. Plancherel, B. Bolognini, M. (1995), **Coping and Mental Health in Early Adolescence**, Journal of Adolescence, 18, 459-474.
 17. Schwartz, J. S. (2001), **The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity Theory and Research: A Review and Integration; Identity International**, Journal of Theory and Research, 1 (1), 7-58.
 18. Schwartz, J. S. Dunham, M.R. (2000), **Identity Status Formulae: Generating Continuous Measures of the Identity from Measures of Exploration and Commitment**, Adolescence, 35 (137), 147-165.
 19. Stallard, P. Velleman, L. R. Baldwin, S. (2001), **Coping and Psychological Distress in Children Involved in Road Traffic Accidents**, British journal of clinical psychology, 40, 197-208.

